

## روش‌شناسی ساخت یک مقیاس اسلامی (معیار مرجع) ویژگی‌ها و محدودیت‌ها

دکتر محمد کاویانی\*

دکتر محمدباقر کجباف\*\*

سید محمد غروی\*\*\*

دکتر حسین مولوی\*\*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش، ارائه روش‌شناسی ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی، ویژگی‌ها و تفاوت آن با دیگر آزمون‌ها است. سؤال اصلی این است که آیا نحوه ساخت یک آزمون دینی معیار مرجع با آزمون هنجار مرجع یکسان است؟ برای پاسخ دادن عینی‌تر و روشن‌تر به این سؤال، روش و مراحل ساخت و ویژگی‌های روان‌سنجی یک آزمون معیار مرجع (آزمون سبک زندگی تجویزی اسلام) را مورد بحث قرار دادیم. در این پژوهش، قدم به قدم، ساخت یک آزمون هنجار مرجع را مورد دقت و تأمل قرار می‌دهیم تا تفاوت‌ها و تشابه‌ها معلوم شود. در این پژوهش معلوم شد که نحوه مطالعه متون دینی (جامعه مورد مطالعه)، کیفیت استخراج منبع سؤال‌ها، نحوه انتخاب کردن آنها و روش به دست آوردن روایی محتوایی، از مواردی است که بین آزمون‌های روان‌ساختی موجود (که هنجار مرجع است) با آزمون‌های دینی معیار مرجع تفاوت وجود دارد و گاهی باعث اشتباه محققان می‌شود. مواردی، مانند: روایی صوری، دقت‌های لازم در اجرا، به دست آوردن پایایی کل آزمون و هر یک از مؤلفه‌های آن (آلفای کرونباخ)، تحلیل عاملی و شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده آزمون، استنباط‌های آماری از داده‌های آن، از مواردی است که بین دو نوع آزمون مشترک است و تفاوتی بین دو نوع آزمون وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی، مقیاس، روان‌سنجی، سنجش دینی، روان‌شناسی اسلامی، سبک زندگی اسلامی

Email: psy\_kavyan@yahoo.com

Email: m.b.kaj@edu.i.ac.ir

\* استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

\*\* دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

\*\*\* مدیرگروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

\*\*\*\* استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۰۵ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۰۲/۲۵

## مقدمه

امروزه بخش مهمی از مطالعه‌های روان‌شناختی، نگاه به عینیت‌ها، میدان و امور روان‌شناختی کمی دارد. اگرچه روان‌شناسی را نمی‌توان در این مطالعه‌های منحصر دانست، لکن جایگاه این نوع مطالعه‌ها غیر قابل انکار است. آزمون و امتحان کردن و سنجیدن، از زمان‌های قدیم، در فرهنگ‌های مختلف، از جمله فرهنگ ایرانی - اسلامی حضور داشته است.<sup>۱</sup> این اندازه‌گیری‌ها در امور جسمانی و فیزیولوژیک، با فراوانی و آسانی بیشتری صورت گرفته است. برای مثال، روان‌شناسان، در ابتدا به اندازه‌گیری قدرت ماهیچه، سرعت حرکت، آستانه تماس مطلق، مقدار فشار لازم برای ایجاد درد، آستانه اختلافی حس درد، آستانه اختلافی حس وزن، سرعت واکنش و مانند اینها پرداختند و بسیار از این توانمندی خود، خیلی خوشحال بودند. سپس آزمون‌های تحصیلی ایجاد شد. در سال ۱۸۹۶، آلفرد بینه<sup>۲</sup> و ویلیام هانری<sup>۳</sup> مقاله‌ای منتشر کردند و بیشتر آزمون‌های موجود را مورد انتقاد جدی قرار دادند و گفتند اینها فقط اعمال بسیار ساده و پایین ذهن را اندازه می‌گیرد. آنها مقیاسی برای اندازه‌گیری هوش، ارائه کردند. آزمون‌ها از مرحله فردی به مرحله گروهی منتقل شد. در قدم‌های بعدی، به جای بررسی تک‌عاملی پدیده‌های روانی، مطالعه‌های چندعاملی مورد توجه قرار گرفت و روش تحلیل عوامل، جایگاه خود را پیدا کرد. آزمون‌های شخصیت، اعم از پرسش‌نامه‌ها و فرافکن‌ها ایجاد شد و روش جامعه‌سنجی به کار گرفته شد (گنجی، ۱۳۷۱).

پیشینه تحقیق: علوان آبادی (۱۳۵۲)، به ساختن «پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر روش فرافکنی»، گلریز (۱۳۵۳)، بر اساس نظریه جهت‌گیری مذهبی درون‌سو و برون‌سوی آلپورت، به ساخت «پرسش‌نامه نگرش‌سنج مذهبی»، سراج‌زاده (۱۳۷۷) به «سنجش نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی»، آریین (۱۳۷۸) به «رابطه دینداری و روان‌درستی ۲۱۰ ایرانی مقیم کانادا»، باقری و اسکندری (۱۳۷۸) به «ساخت و اعتباریابی مقیاس عمل‌سنجی بر اساس دیدگاه اسلام»، جان‌بزرگی (۱۳۷۸) به «بررسی اثربخشی روان‌درمان‌گری کوتاه‌مدت همراه با جهت‌گیری مذهبی و بدون آن، بر مهار اضطراب و تنیدگی»، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۲) به «تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان»، طالبان (۱۳۷۸) به «بررسی ارتباط دینداری و بزهکاری در میان جوانان

۱. کنون من تو را آزمایش کنم / یکی سوی رزمت گرایش کنم (فردوسی)  
 من همی دانستمی بی‌امتحان / لیک کی باشد خبر همچون عیان (مولوی)

2. A. Binet  
 3. V. Hanry

دانش‌آموز»، اکبری (۱۳۷۹) به «بررسی طرز تلقی و نگرش جوانان نسبت به دین»، آذربایجانی (۱۳۸۰) به ساخت «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، بیان‌زاده (۱۳۸۱)، به «بررسی کارآمدی درمان‌شناختی - رفتاری مذهبی، فرهنگی، همراه با دارودرمانی» اقدام کرده‌اند. هیل<sup>۱</sup> به معرفی ۱۲۱ مقیاس دینی پرداخته که توسط آذربایجانی و موسوی (۱۳۸۲) ترجمه شده است. هانتز (۲۰۰۵) به مطالعه دین در زندگی روزمره مردم، اینجلس (۲۰۰۵)، به بررسی رابطه فرهنگ و زندگی روزمره و تیموتی (۱۹۹۹) به بررسی دین و زندگی روزمره مردم انگلستان پرداخته‌اند.

**بیان مسئله:** انواع آزمون‌ها، چگونگی استفاده از آنها، مبانی نظری و عملی، کیفیت ساخت، نقاط قوت و ضعف و در نهایت، واقع‌نما بودن یا نبودن آنها، از بحث‌های بسیار جدی در روان‌سنجی و روان‌شناسی است. در مورد آزمون‌های روانی، انتقادهای متعدد ضعیف و قوی مطرح بوده و هست، از جمله اینکه: ۱. آیا اساساً «روان» قابل اندازه‌گیری است، تا آزمون روانی داشته باشیم؟ ۲. آیا آزمون‌ها، موقعیت‌های ساختگی نیست؟ و آیا موقعیت ساختگی اعتبار دارد؟ ۳. آیا سنجش رفتارهای منفرد، مثل سرعت انتقال، می‌تواند ما را به منش و عمق وجودی فرد رهنمون کند؟ ۴. آیا زیاد بودن کاربرد آزمون‌ها دلیل موفقیت آنها است؟ ۵. نتیجه آزمون فقط یک عدد است، چگونه باید آن را تفسیر کرد؟ ۶. آزمون‌ها، آزمون‌گرهای ماهر نیاز دارد، آیا آنان همیشه و همه‌جا حضور دارند؟ ۷. آزمون‌ها در خدمت قدرت‌های سیاسی قرار می‌گیرد و نتایج دلخواه از آن گرفته می‌شود. ۸. آزمون‌ها منبع درآمد سودجویان شده است. ۹. هر آزمون برای بار اول که اجرا می‌شود، دقیق است، اما برای دفعه‌ها بعدی، افشا شده به حساب می‌آید و افراد می‌آموزند که چگونه پاسخ بدهند (گنجی، ۱۳۷۱). اینها اشکال‌های گرفته شده کوچک و بزرگ آزمون‌های روانی است، که البته به هر کدام جوابی داده شده است.

از جمله بحث‌های جدیدتری که در این حیطه مطرح شده، بحث از آزمون‌های روانی دینی است. آزمون‌های دینی، نوع خاصی از آزمون‌های روانی است که در مرحله ساخت، متفاوت و دقیق‌تر می‌باشد، چون نه تنها از عینیت‌های فیزیولوژیک عبور کرده و روانی است؛ بلکه از نوع تجلی‌های روانی پیچیده محسوب می‌شود. بنابراین، مشکل‌های آزمون‌های دینی، ممکن است که با انتقادهای مطرح شده، متفاوت و بیشتر باشد. برای مثال، آیا کسی که آزمون دینی می‌سازد، در تعریف دین و دینداری با بقیه عالمان دینی

1. Hill, P. et al

توافق کرده است؟ آیا تفکیک ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری، در دین و دینداری، لازم و ممکن است؟ آیا دین و دینداری همان است که در سطح هشیار فرد بروز می‌کند؟ آیا راهی به سنجش دینداری ناهشیار فرد وجود دارد؟ آیا آزمودنی خودسانسوری ارادی ندارد؟ آیا برای همه سؤال‌ها، پاسخ هشیار می‌تواند داشته باشد؟ برای پاسخ‌دهی به این سؤال‌ها و ابهام‌ها، باید سازنده آزمون از همان ابتدای ساخت آزمون، به آنها اندیشیده و تدبیری کرده باشد؛ اینها ابهام‌هایی نیست که به هنگام اجرای آزمون بتوان پاسخشان داد. سازندگان آزمون‌هایی که به عنوان پیشینه از آنها یاد شد، پاسخ چندان اقناع‌کننده‌ای به این سؤال‌ها نداده‌اند و ظاهراً برای هیچ‌کدام از آنها این پرسش‌ها مطرح نبوده است.

**سؤال‌های پژوهش:** هر قدر تلاش علمی بیشتر و دقیق‌تر در این باره انجام گیرد، امکان استفاده از علوم انسانی رایج در خدمت به دین و دینداری بیشتر خواهد شد. برای این منظور، لازم است که توجه جدی به این موضوع‌ها بشود. در همین راستا، این پژوهش به دنبال ارائه روش ساخت یک آزمون دینی معیار مرجع است؛ آزمونی که بتواند: ۱. در مراحل مختلف ساخت، اجرا و استنباط آماری، به ابهام‌هایی، مثل ابهام‌های بالا پاسخ بدهد؛ ۲. امکان کمی شدن سبک زندگی مورد نظر اسلام را نشان بدهد؛ ۳. مراحل ساخت خود را بر اساس یافته‌های قطعی روان‌سنجی، طی کرده و بیان کند؛ ۴. تفاوت‌ها و تشابه‌های آن با آزمون‌های هنجار مرجع، معلوم باشد.

محقق در ساخت این آزمون به سؤال‌ها و ابهام‌های بیان شده، توجه داشته و در فرآیند ساخت آزمون، آنها را برای خود حل کرده است. برای مثال، از آنجا که سبک زندگی متوجه رفتارهای افراد است، عینیت و مفهومی کمی دارد؛ بنابراین، با مفهوم فلسفی و کلامی دینداری متفاوت است و اشکال‌های مفهوم‌شناختی که برای مفهوم «دینداری» پیش می‌آید، متوجه مفهوم «سبک زندگی» نمی‌شود. بر این اساس، ابعاد عاطفی و شناختی را هم از ساختار رفتارها نگرسته و گرفتار ابهام «تفکیک‌ناپذیری» آن ابعاد نشده است. از سوی دیگر، در تعریف سبک زندگی دینی، با دیگر صاحب‌نظران اختلافی نخواهد داشت؛ زیرا اولاً، نگاه رفتاری با دیدگاه‌های فلسفی، عرفانی، کلامی، فقهی و مانند اینها، قابل جمع است؛ چون در نهایت، همه آنها می‌خواهند به رفتار منتهی شوند. ثانیاً، در شناسایی رفتارهای دینی، به قرآن، روایت‌ها و کتاب‌های صاحب‌نظران مراجعه شده است؛ بنابراین، جامعیت لازم را دارد و در همین راستا، شبهه «هشیار و ناهشیار» نیز مطرح نخواهد شد؛ چرا که رفتارهای فرد مسلمان به صورت ارادی شکل می‌گیرد و داشته‌های دینی ناهشیار، بدون اینکه فرد متوجه باشد، نقش خود را در رفتار او ایفا می‌کند؛ پس نیازی نیست که

برای سنجش ناهشیار به صورت مستقل برنامه‌ریزی شود. اشکال «خودسانسوری»، همیشه و در همه آزمون‌ها به جز آزمون‌های فرافکن، وجود دارد؛ اما از راه فنون روان‌سنجی، تا حدی کنترل می‌شود. در این آزمون نیز از سؤال‌های معکوس و تکرار محتوایی، با عبارت‌های ناهمسان و شکل‌های دیگر دروغ‌سنجی استفاده شده است.

### پیش‌فرض‌های ساخت «آزمون سبک زندگی اسلامی»

برای ساختن یک آزمون دینی معیار مرجع، آن هم از نوع تجویزی، در موضوع بسیار گسترده سبک زندگی و به دست آوردن ویژگی‌های روان‌سنجی آن، لازم است که به بعضی پیش‌فرض‌های نظری توجه شود. اگر هر کدام از این پیش‌فرض‌ها ممکن نباشد و عالمان دینی، آن را تأیید نکنند و از متون قطعی دینی، قابل استخراج نباشد، از ریشه، ساختن چنین آزمونی با مشکل روبه‌رو است. این نوع پیش‌فرض‌ها در آزمون‌های دیگر دینی نیز وجود دارد؛ ولی به آنها خیلی توجه نمی‌شود، گویی کسی حوصله این مباحث را ندارد، یا همه به خاطر روشنی به آن نمی‌پردازند. در این پژوهش، به اختصار به هر کدام اشاره می‌شود:

۱. اسلام یک سیستم مفهومی است: «سیستم عبارت از مجموعه‌ای از عناصر با مجموعه‌ای از ارتباط‌ها است که در تعادلی پویا بر اساس هدفی معین، سازمان یافته و کل چیزی بیشتر از حاصل جمع اجزا است». چهار مفهوم پایه‌ای مشترک در همه سیستم‌ها وجود دارد: الف) عناصر آن، تعامل چندسویه دارند؛ ب) یک سیستم، کلیتی فراتر از حاصل جمع ساده اجزا دارد؛ ج) هر سیستم در دو جنبه ساختاری و کارکردی، سازمان یافته است؛ د) سیستم درجه‌هایی از پیچیدگی دارد که برای فهم آن، زمان و دقت کافی و روش مناسب لازم است. چهار مفهوم بیان شده در اسلام نیز وجود دارد؛ پس مطالعه مفاهیم دینی، نیز باید با نگرش سیستمی انجام شود. این سیستم به ضرورت روش اجتهادی، یک سیستم باز است، ورود اطلاعات و انرژی دارد و ورود هیچ‌گونه اطلاعاتی باعث توقف آن نمی‌شود؛ بلکه از روی اطلاعات جدید عبور کرده و برون‌دادی مناسب و تعادلی پویا و مستمر خواهد داشت<sup>۱</sup> (کاویانی، ۱۳۷۷).

۲. اسلام جامعیت دارد: اسلام متناسب تمام مقاطع زندگی و همه شرایط است. هم متون دینی چنین ضرورتی دارد و هم روش استفاده و استنباط از متون (روش اجتهادی)

۱. همچنان که مرحوم شهید صدر در اقتصادنا بیان کرده‌اند که این نظام‌ها، در مقام ثبوت، در ردیف قبل از رفتارها قرار دارد، چون رفتارها ناشی از نظام‌های ذهنی معصومان(ع) است؛ اما در مقام اثبات بعد از ردیف رفتارها، جای می‌گیرد، چون ما از راه اعتقادهای اساسی و دستورالعمل‌های عملی مسلم، آن نظام‌ها را کشف می‌کنیم.

چنین زمینه‌ای را فراهم می‌کند. هر گونه سؤال جدیدی در این چارچوب قابل بررسی و پاسخ‌یابی است. صاحب‌نظران، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از ابعاد مختلف آن ارائه کرده‌اند؛ اما هیچ‌کدام جامعیت ندارد، چرا که هر کدام با جهت‌گیری خاصی شکل گرفته است. بنا به قول مشهور که شهید مطهری (۱۳۶۹) نیز آن را پذیرفته است، تعالیم اسلام بر سه محور اعتقادات، اخلاقی‌ها و وظایف عملی (عبادت‌ها) قرار دارد. بر اساس دیدگاه ابو حامد غزالی، عنوان مسلمانی برای افراد، تابعی از حضور چهار شناخت است: شناخت خود، خدای متعال، دنیا و آخرت و رکن مسلمانی نیز چهار نوع عمل است: «عبادت‌ها، معامله‌ها (عبادت‌ها)، هلاک‌کننده‌ها و نجات‌دهنده‌ها» (غزالی، بی‌تا). - بر اساس دیدگاه شهید صدر (الفتاوی‌ الواضحة، به نقل از اعرافی و همکاران، ۱۳۷۶)، مجموعه تعالیم اسلام، در چهار محور رابطه انسان با خداوند، خود، دیگران و طبیعت دسته‌بندی می‌شود. - بر اساس دیدگاه آقای مصباح یزدی، طبقه‌بندی مطلوب بر محور «الله» شکل می‌گیرد و به صورت طولی (نه عرضی) ده طبقه را شامل می‌شود: «معارف قرآن، مانند یک رودخانه جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرازیر است، به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷).

۳. اسلام حالتی پیوستاری دارد: اسلام و سبک زندگی اسلامی، به صورت همه یا هیچ نیست؛ بلکه به صورت یک پیوستار است، که مراتب پایین، متوسط و بالا دارد. آیات و روایات متعددی بر این نکته دلالت می‌کند. از نظر قرآن، این حالت پیوستاری، در بعد مقابل ایمان نیز وجود دارد. بدی و بی‌ایمانی نیز درجه‌هایی دارد و افراد مسلمان، هر کدام جایگاهی روی این پیوستار دارند، اما به صورت مفهومی و نظری نمی‌توان آن جایگاه را شناخت؛ بلکه باید به صورت کمی و عینی درآید. این پیش‌فرض، مجوز و مشوقی برای ساخت آزمون و مشخص کردن جایگاه افراد بر روی این پیوستار است.

### مراحل و شیوه انجام ساخت آزمون

برای طرح نظریه و ساختن آزمون سبک زندگی اسلامی مراحل مختلفی طی شده است که به اختصار اشاره می‌شود (گال و دیگران، ۱۳۸۳).

۱. تعیین اهداف برای ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی: بدون تعیین دقیق اهداف، ممکن است که محتوای آزمون به هر سویی کشیده شود و حتی خود سازنده آزمون هم متوجه نباشد. هدف اصلی آزمون این است که تعیین کند که سبک زندگی آزمودنی در چه

نقطه‌ای از پیوستار «اسلامی بودن» قرار دارد؛ بنابراین، در قدم اول، اهداف اصلی (که معرف اصلی‌ترین سازه، یعنی سبک زندگی است) و رفتارهایی که آن سازه را تعریف می‌کند، تعیین شد. این آزمون به دنبال سنجیدن نگرش مذهبی نیست. شناخت‌ها و عواطف مذهبی، نه به‌طور مستقل و مستقیم، بلکه فقط از راه رفتار و به آن اندازه که زیربنای رفتارها و مقوم اسلامی بودن رفتارها محسوب می‌شود، مورد توجه قرار گرفت.

در ادامه کار، گروه آزمودنی‌های هدف مشخص شد. این آزمون برای سنجش سبک زندگی در تمام افراد و گروه‌ها به کار می‌رود، چون در تمام ادیان الهی، بخشی از سبک زندگی اسلامی حضور دارد. این آزمون، مقدار و نمره اسلامی بودن آن را مشخص می‌کند. از لحاظ گروه سنی نیز عمومیت دارد. البته آزمودنی نباید کودک باشد، چون کودک هنوز به بلوغ عقلی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره، نرسیده است و بسیاری از سؤال‌های آزمون برای او بی‌معنا است. از نظر جنسیت، نه زنانه و نه مردانه است؛ بیشتر سؤال‌های آن بین زن و مرد، مشترک است. از نظر اقتصادی، سؤال‌ها به‌گونه‌ای است که هم فقیر و هم غنی سنجیده می‌شود. بسیاری از وظایف اقتصادی و مالی برای فقیر و غنی مشترک است، بعضی از آنها به نوع جهت‌گیری‌های اقتصادی مربوط می‌شود. هر کسی با هر سن، جنس، شغل و دینی که باشد، می‌تواند آزمودنی این آزمون باشد. تمام شاخص‌هایی که در این آزمون آمده است (اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاقی، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، دفاعی - امنیتی و زمان‌شناسی)، در زندگی آزمودنی وجود دارد و او به‌گونه‌ای در آنها رفتار می‌کند که یا با آموزه‌های اسلامی منطبق است و یا نیست. این آزمون بدون اینکه تک‌بعدی به زندگی نگاه کند، تمام سبک زندگی افراد را می‌سنجد.

۲. مطالعه متون دینی درباره سبک زندگی: متون دست اول قرآنی، حدیثی، اخلاقی و توضیح المسائل‌های عملی (شامل متن قرآن، محجة البیضاء، رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید، و فهرست تفاسیر نمونه، المیزان، بحارالانوار، وسایل الشیعة، احیاء علوم‌الدین، جامع السعادات، معراج السعاده، رساله حقوق امام سجاد(ع)، مفاتیح الجنان و مانند اینها)، به‌طور سریع و فهرست‌وار به منظور موضوع‌شناسی درباره سبک زندگی اسلامی و استخراج دستورالعمل‌هایی که در زندگی اسلامی مورد نیاز است، مورد مطالعه قرار گرفت و دستورالعمل‌ها استخراج شد. در این مرحله تلاش بر این بود که جامعیت لازم به دست آید و به تمام ابعاد ریز و درشت زندگی و تمام زوایای پیدا و پنهان زندگی توجه شود؛ به همین منظور، دستورالعمل‌ها (شناختی، عاطفی و رفتاری)، با همه پراکندگی‌ای که داشت،

جمع‌آوری شد. در کنار مسائل عملی، به اعتقادهای بنیادین، مثل توحید، معاد، نبوت، وحی، هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی و مسائل عاطفی، مثل دوستی‌ها، دشمنی‌ها، حب و بغض‌ها، تولی و تبری و مانند اینها نیز توجه شد؛ چرا که بسیاری از وظایف زندگی به‌طور مستقیم در متون بیان نشده است، بلکه از این اصول استخراج می‌شود.

۳. **تبدیل یافته‌های دینی به جمله‌های دستورالعملی:** از آنجا که این آزمون به دنبال سنجیدن «رفتار» است، لازم بود که به همه آموزه‌های دینی به عنوان دستورالعمل رفتاری نگاه شود؛ بنابراین، یافته‌هایی که به صورت موضوع‌شناسی شکل گرفته بود، به صورت جمله‌های دستوری با عنوان «بایدها و نبایدهای سبک زندگی اسلامی» شکل جدید یافت. از بعضی موضوع‌ها فقط یک دستورالعمل و از برخی دیگر، ده دستورالعمل به صورت باید و نباید استخراج شد. البته دقت شد تا هیچ موضوع و دستورالعملی مورد غفلت قرار نگیرد. اکنون حدود ۱۲۰ صفحه با عنوان «بایدها و نبایدهای سبک زندگی اسلامی» موجود است.

۴. **فراهم کردن خزانه سؤال‌ها:** تعداد گزاره‌های اولیه زیاد بود، چون در مراحل قبل از هیچ موضوعی غفلت نشده بود، در این مرحله به حذف اضافه‌ها و ویرایش محتوایی گزاره‌ها پرداخته و خزانه سؤال‌های اولیه فراهم شد. یک حذف محتوایی به صورت نظری انجام شد. این حذف‌ها، با توجه به «عام و خاص»، «کل و جزء»، «کلی و جزئی»، «مطلق و مقید»، «اهم و مهم»، «اشتراک لفظی»، «اشتراک معنوی» و غیره صورت گرفت. تکرارهای محتوایی حذف شد، امور جزئی زیرمجموعه کلی‌ها قرار گرفت، امور نه چندان مهم حذف شد و به این ترتیب، خزانه سؤال‌های اولیه فراهم شد.

۵. **تفکیک گزاره‌ها به ترتیب شاخص‌ها:** به صورت نظری، با طبقه‌بندی بایدها و نبایدها، به شناسایی و استخراج مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی اقدام شد. این مؤلفه‌ها در ابتدا تعداد زیادی را شامل می‌شد، لکن برای ساختن آزمون، آنچه که با هم شباهت و نزدیکی زیادی داشت، در یک گروه قرار گرفت و مؤلفه‌های اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاق، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، دفاعی - امنیتی و زمان‌شناسی به دست آمد که ذیل هر کدام، تعداد زیادی از جمله‌های دستوری باید و نباید، قرار گرفت که در واقع، حدود دو و نیم برابر آزمون نهایی بود.

۶. **تبدیل جمله‌ها به گزاره‌های شخصی و شکل‌دهی اولیه آزمون:** برای اینکه بتوان از مقیاس چندگزینه‌ای لیکرت استفاده کرد، جمله‌ها به صورت گزاره‌های رفتاری شخصی درآمد. افعال مناسب به‌گونه‌ای انتخاب شد که رفتار و سبک زندگی جاری فرد را بسنجد، نه نگرش‌ها و اعتقادات یا آرمان‌های او را.



۷. بررسی دوباره آزمون و خارج کردن سؤال‌ها از حالت جهت‌دار: اموری مثل جامع بودن از نظر محتوا، نداشتن سؤال‌های اضافی و غیر ضروری، عینی بودن و قابل سنجش بودن سؤال‌ها، نبودن سؤال‌های اعتقادی و نگرشی صرف، ملاحظه نوع مخاطب از نظر سن، جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و غیره، به‌گونه‌ای که انطباق کامل با گروه‌های هدف داشته باشد، در بر نداشتن واژه‌های پیچیده و تخصصی و روان بودن از نظر ادبی، مورد توجه و بازنگری قرار گرفت. بعضی سؤال‌ها جهت‌دار بود؛ یعنی خود سؤال، پاسخ را نیز القا می‌کرد؛ پس این نکته اصلاح شد. سؤال‌های مثبت و منفی در آن قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که آزمودنی مجبور باشد برای پاسخ دادن، روی تک‌تک سؤال‌ها تمرکز داشته باشد. دروغ‌سنج نیز برای آزمون در نظر گرفته شد؛ به‌گونه‌ای که اگر یک آزمودنی بدون توجه و به صورت تصادفی پاسخ داد، به راحتی شناسایی و داده‌های آن به عنوان داده‌های مفقوده تلقی و از تحلیل خارج شود.

۸. آماده‌سازی دستورالعمل‌های اجرای آزمون برای آزمودنی و آزمون‌گر: متن سربرگ آزمون، علاوه بر اینکه برای ایجاد انگیزه، توصیه‌های لازم را ارائه کرده، محرمانه بودن اطلاعات را نیز توجه داشته و اطلاعات جمعیت‌شناختی مورد نیاز، مانند سن، جنس، سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، وضعیت اقتصادی و غیره را دریافت کرده است. سربرگ به‌گونه‌ای تنظیم شده که آزمودنی را در پاسخ دادن به سؤال‌ها تشویق می‌کند. از سوی دیگر، همواره این امکان وجود ندارد که یک آزماینده در کنار آزمودنی‌های مختلف حضور داشته باشد و یکسانی اجرای آزمون از این راه به دست آید؛ بنابراین، یک دستورالعمل برای اجرای هماهنگ تهیه شده است که همه آزمون‌گرها، بر اساس آن عمل کنند و در اجرا یکسانی باشد.

۹. به دست آوردن روایی محتوایی: برای به دست آوردن روایی محتوایی، مراحل طی شد. پس از اینکه خزانه سؤال‌های اولیه، در دو مرحله با تأمل‌های نظری محقق بررسی شد، پرسش‌نامه‌ای ۲۰۰ سؤالی به دست آمد که همراه با یک پرسش‌نامه ۱۱ سؤالی به ۲۵ نفر دین‌شناس داده شد (دین‌شناسانی که از نظر تحصیلات دینی در سطح اجتهاد بوده و در یکی از رشته‌های علوم انسانی نیز حداقل، دارای کارشناسی ارشد و سوابق تحقیقی بودند). ویژگی دیگر این دین‌شناسان این بود که اسلام را به صورت نسبتاً جامع و متناسب با زندگی امروزی مورد مطالعه و شناسایی قرار داده‌اند؛ یعنی این‌گونه نیست که فقط در یک بُعد از اسلام، مثل فقه، فلسفه، تاریخ، تفسیر و غیره، مطالعه کرده و از ابعاد دیگر آن غافل باشند).

نظریه‌های به دست آمده از سوی دین‌شناسان و بررسی دوباره آنها، سؤال‌ها را به ۱۴۴ عدد رسانید. جمله‌ها به گزاره‌های شخصی با افعال مناسب تبدیل شد؛ به گونه‌ای که رفتار و سبک زندگی جاری فرد را بسنجد، نه نگرش‌ها و اعتقادهای او را. دیدگاه متخصصان دین‌شناس در مورد تک‌تک سؤال‌ها، مورد بررسی قرار گرفته و سپس با هر کدام از آنها به صورت حضوری مصاحبه ساختارنایافته انجام و نتایج نهایی نظریه‌ایشان در آزمون، اعمال شد و آزمون ۱۳۵ سؤالی با تفکیک عناوین، به دست آمد.

در مرحله بعد، به منظور خارج شدن از یکنواختی و عدم ارائه رویه کلی به آزمودنی، عناوین حذف و سؤال‌ها ترکیب شد؛ اکنون این آزمون از نظر محتوا، جامع و مانع است. اگرچه کلی است، اما تمام ابعاد سبک زندگی اسلامی را در بر می‌گیرد، سنجش اعتقادهای بنیادین ندارد و ضریب نمره‌ها یکسان نیست (درصد بالایی از متخصصان دینی، بر متفاوت بودن ارزش سؤال‌ها تأکید داشتند و بر اساس نظر آنها، نمره سؤال‌ها ضریب‌هایی بین یک تا چهار دریافت دارد). تکرار محتوایی ندارد، مگر موارد محدودی که آگاهانه قرار داده شده است. نظر به سن خاص یا جنسیت خاصی ندارد و برای تمام سنین بالای بلوغ، کاربرد دارد. تنها محدودیت سنی آن، برای افرادی است که به بلوغ فکری، اقتصادی و جنسی نرسیده‌اند؛ در این صورت، بسیاری از سؤال‌های این آزمون برای آنها موضوعیت پیدا نمی‌کند. این آزمون، به افراد متأهل یا مجرد اختصاص ندارد.

۱۰. به دست آوردن روایی صوری: ویژگی‌های صوری زیر در ساخت آزمون، رعایت شده است (گال و دیگران، ۱۳۸۳): ۱. کوتاه بودن آزمون (با توجه به گستره وسیع سبک زندگی اسلامی)؛ ۲. خالی بودن از واژه‌های پیچیده و غیر مصطلح؛ ۳. سؤال‌های آزمون و گزینه‌های پاسخ‌نامه شماره‌گذاری شد تا آزمودنی، در پاسخ‌دهی دچار مشکل نشود؛ ۴. شروع آزمون، با سؤال‌های نرم و غیر تهدیدکننده است؛ ۵. در سربرگ آزمون، با توجه علمی و انسانی، انگیزه لازم در آزمودنی‌ها ایجاد می‌شود؛ ۶. کلمه‌های مبهم، مثل بیشتر، معمولاً و مانند اینها به کار برده نشد؛ ۷. تلاش شد که سؤال‌ها کوتاه و روشن باشد؛ ۸. سؤال‌های دومفهومی طرح نشد. ۹. از سؤال‌های جهت‌دار پرهیز شد؛ ۱۰. در چند نوبت با اجرای آزمایشی در بین تعدادی از دانشجویان، اطمینان شد که همه آن را درست می‌فهمند؛ ۱۱. شکل ظاهر سؤال‌ها با شئون‌های اسلامی سازگار شد؛ ۱۲. در مقیاس لیکرت، طبقه میانی اعداد حذف شد، تا به عنوان گزینه بی‌خطر و محافظه‌کارانه تلقی نشود و افراد به تأمل کردن و پاسخ دقیق‌تر دادن تشویق شوند. نتیجه نهایی کار، توسط اساتید

روان‌سنجی تأیید شد. در نهایت، یک آزمون ۱۳۵ سؤالی فراهم شد که در جدول شماره ۱، مؤلفه‌ها و نمره‌های هر مؤلفه به‌طور جداگانه نشان داده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، شماره سؤال‌ها و حداقل و حداکثر نمره‌های هر مؤلفه

جمع نمره‌های حداکثر	جمع نمره‌های حداقل در هر شاخص	شماره سؤال‌های مربوط به هر شاخص	تعداد سؤال‌ها	شاخص‌های سبک زندگی اسلامی
۱۱۶	۲۹	۸۶-۶۷-۳۱-۱۶-۸-۳ ۱۱۰-۱۰۸-۱۰۴-۱۰۳-۸۸ ۱۲۸-۲۷-۱۲۲-۱۲۱-۱۱۱	۱۶	اجتماعی
۹۲	۲۳	۷۲-۶۱-۵۴-۵۲-۳۴-۲۸-۱۷ ۱۳۳-۱۳۰-۱۲۵-۱۰۶-۹۲-۸۷-۸۰	۱۴	عبادی
۱۸۰	۴۵	۲۹-۲۶-۱۱-۱۰-۶-۵ ۹۰-۷۱-۶۴-۴۷-۳۶-۳۲ ۱۲۳-۱۱۶-۱۰۲-۱۰۱-۹۱	۱۷	باورها
۲۰۰	۵۰	۵۸-۵۷-۵۳-۴۳-۲۲-۷-۴-۲ ۱۰۰-۹۸-۹۵-۸۱-۷۹-۶۰ ۱۳۵-۱۳۴-۱۳۱-۱۱۹-۱۱۳-۱۰۹	۲۰	اخلاق
۱۶۴	۴۱	۲۳-۲۱-۱۹-۱۵-۱۲-۹ ۸۵-۸۴-۷۶-۷۵-۶۶-۵۵-۳۵ ۱۲۹-۱۲۰-۱۱۵-۱۱۴-۹۷-۸۹	۱۹	مالی
۱۲۸	۳۲	۴۵-۴۴-۴۲-۳۸-۲۵-۱۸ ۱۱۷-۹۳-۷۸-۷۷-۶۲-۵۹	۱۲	خانواده
۵۶	۱۴	۷۰-۴۸-۴۶-۴۰-۱۴ ۱۳۳-۱۸-۱۰۵-۹۴-۸۳	۱۰	سلامت
۸۴	۲۱	۵۶-۳۹-۳۷-۲۷-۲۴-۱ ۹۶-۸۲-۷۴-۶۹-۶۳-	۱۱	تفکر و علم
۸۴	۲۱	۶۸-۶۵-۴۱-۳۳-۱۳ ۱۲۶-۱۲۴-۱۱۲-۱۰۷-۹۹	۱۰	دفاعی - امنیتی
۳۶	۹	۷۳-۵۱-۵۰-۴۹-۳۰-۲۰	۶	زمان‌شناسی

۱۱. ساختن کلید برای آزمون: پس از اجرای نظرهای دین‌شناسان، برای به دست آوردن روایی محتوایی و اعمال نظرهای اساتید روش تحقیق و روان‌سنجی برای به دست آوردن روایی صوری و شکل گرفتن فرم کامل آزمون، برای بار دوم به ده اسلام‌شناس ارائه و نظرهای آنها گرفته شد که باعث تغییر چندانی نشد. سپس برای اطمینان از روان و قابل فهم بودن آزمون و کمک به روایی صوری آن، توسط بیست دانشجوی کارشناسی، مورد مطالعه قرار گرفت و پاسخ داده شد. بعد از اجرای آن، با آن گروه از دانشجویان درباره

جهت‌های مختلف صوری آزمون، گفتگو و نظرهای اصلاحی مختصری که داشتند، اعمال شد. در نهایت، به اساتید روش تحقیق و روان‌سنجی ارائه و نظرهای آنان درباره‌ی روایی صوری اجرا شد. سؤال‌ها از حالت جهت‌دار خارج و بعضی از آنها معکوس شد؛ به‌گونه‌ای که آزمودنی مجبور باشد برای پاسخ دادن، روی تک‌تک سؤال‌ها تمرکز کند و نیز دروغ‌سنج بر روی آن نصب شد؛<sup>۱</sup> به‌گونه‌ای که اگر یک آزمودنی بدون توجه و به صورت تصادفی به سؤال‌ها پاسخ داد، به راحتی شناسایی و داده‌های آن به عنوان داده‌های مفقوده در نظر گرفته و خارج شود. ارزش نمره‌ای سؤال‌ها بر اساس نظرهای اسلام‌شناسان در پرسش‌نامه روایی محتوایی و نیز با نظرخواهی و گفتگوی حضوری جدید با ده اسلام‌شناس تعیین شد. به سؤال‌ها ضریب‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ داده و کلید آزمون تهیه شد.

**۱۲. توضیح‌های مربوط به کلید آزمون:** به‌طور معمول، سازنده‌ی آزمون، اطلاعاتی دارد که دیگران ندارند و چه‌بسا خود او که درگیری کامل و نزدیک با کار دارد، متوجه اهمیت بعضی امور نباشد؛ بنابراین، دیگران باید از او بپرسند و به‌تدریج مکتوب شود تا چیزی از قلم نیفتد و یک راهنمای آزمون کامل به دست آید (گال و دیگران، ۱۳۸۳). بر این اساس، اطلاعات مربوط به این پژوهش، به صورت مختصر در اینجا آمده است، از جمله:

در پاسخ‌نامه برای هر سؤال از ۱ تا ۴ نمره در نظر گرفته شده است. نمره‌های واقعی سؤال‌ها یکسان نیست؛ بلکه ضریب‌های ۱ تا ۴ دارد که در کلید آمده است. در نتیجه، اگر برای هر مؤلفه یا برای هر فرد یک پیوستار در نظر گرفته بشود، ممکن است نمره‌ای بین ۱ تا ۱۶ داشته باشد؛ اینکه سؤال، چه ضریبی دارد و آزمودنی از آن چه نمره‌ای می‌گیرد، بستگی دارد. برای مثال، اگر سؤال، ضریب ۴ داشته باشد و آزمودنی هم بیشترین نمره را بگیرد، نمره او ۱۶ خواهد بود؛ اما اگر سؤال ضریب ۱ داشته باشد و او نیز کمترین نمره را بگیرد، نمره او ۱ خواهد شد. کمترین نمره کل ممکن برای یک آزمودنی در این آزمون بدون در نظر گرفتن ضریب‌ها، با ۱۳۵ برابر است و بیشترین نمره آن، بدون در نظر گرفتن ضریب‌ها، با ۵۴۰ (۴×۱۳۵) برابر است. البته نمره‌های بدون ضریب، برای محاسبه‌های این پژوهش، ارزش واقعی ندارد. برای محاسبه ضریب‌ها از راه spss و وارد کردن دستورالعمل‌های آن اقدام شد. جدول شماره ۲، سؤال‌های دارای ضریب را با مجموع حداقل و حداکثر نمره‌ها نشان می‌دهد.

۱. دروغ‌سنج را به صورت‌های مختلف می‌توان روی یک مقیاس قرار داد؛ می‌توان سؤال‌های متناقض با فاصله از یکدیگر قرار داد، می‌توان سؤال‌های مشابه و مترادف با الفاظ متفاوت قرار داد و می‌توان جمله‌هایی را به صورت مطلق قرار داد که هیچ‌گاه با آن اطلاق، نمی‌تواند درست باشد.

جدول ۲: تقسیم‌بندی سؤال‌ها بر اساس ضریب و مجموع حداقل و حداکثر نمره‌های آنها

ضریب‌های یک تا چهار	شماره سؤال‌های دارای ضریب	جمع نمره‌های حداقل با در نظر گرفتن ضریب	جمع نمره‌های حداکثر با در نظر گرفتن ضریب
سؤال‌های دارای ضریب ۱	۴۰-۳۹-۲۸-۲۰-۱۶-۱۴-۱ ۶۰-۵۱-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۱ ۸۳-۸۰-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۳ ۱۲۱-۱۰۴-۹۶-۹۴-۸۵-۸۴ ۱۳۳-۱۳۰-۱۲۸-۱۲۵-۱۲۲	۳۲=۱×۳۲	۱۲۸=۴×۳۲
سؤال‌های دارای ضریب ۲	۲۱-۱۷-۱۵-۱۳-۱۲-۱۰-۸-۷ ۳۴-۳۳-۳۱-۳۰-۲۹-۲۵-۲۳ ۵۲-۴۵-۴۲-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵ ۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۵۷-۵۵-۵۴ ۸۲-۸۱-۷۹-۷۷-۷۶-۷۴-۶۹ ۹۳-۹۲-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶ ۱۰۶-۱۰۵-۱۰۳-۱۰۲-۹۹-۹۸ ۱۱۶-۱۱۴-۱۱۳-۱۱۱-۱۱۰-۱۰۸ ۱۲۶-۱۲۴-۱۲۰-۱۱۹-۱۱۸ ۱۳۵-۱۳۴-۱۳۲-۱۳۱-۱۲۹-۱۲۷	۱۳۲=۲×۶۶	۵۲۸=۴×۱۳۲
سؤال‌های دارای ضریب ۳	۲۴-۱۹-۱۸-۱۱-۹-۵-۴-۲ ۵۶-۵۳-۵۰-۴۴-۴۳-۲۷-۲۶ ۹۷-۹۵-۷۸-۷۵-۶۱-۵۹-۵۸ ۱۲۳-۱۱۵-۱۱۲-۱۰۹-۱۰۷-۱۰۱	۸۴=۳×۲۸	۳۳۶=۴×۸۴
سؤال‌های دارای ضریب ۴	۱۱۷-۱۰۰-۹۱-۶۴-۶۲-۳۲-۲۲-۶-۳	۳۶=۴×۹	۱۴۴=۴×۳۶

## روش پژوهش در ساخت آزمون دینی

جامعه آماری: از آنجا که این مطالعه در دو محور شکل گرفته، با قدری مسامحه می‌توان

گفت که جامعه مورد مطالعه در این پژوهش نیز دو محور مستقل و متفاوت دارد:

۱. جامعه مورد مطالعه در مباحث نظری، عبارت است از: الف) متون اسلامی معتبر و درجه اول، از جمله قرآن، نهج‌البلاغه، اصول کافی، بحارالانوار، صحیفه سجادیه، رساله حقوق امام سجاد(ع) و مانند اینها؛ ب) متون درجه دوم اسلامی که به وظایف زندگی در قالب اخلاق، فقه و حقوق، پرداخته است، مثل رساله‌های عملیه، محجة‌البیضاء، جامع السعادات، معراج السعادة و مانند اینها؛ ج) منابع درجه دوم که دیدگاه‌های صاحب‌نظران اسلامی درباره هستی‌شناسی اسلامی، خداشناسی اسلامی، انسان‌شناسی و غیره، را معرفی می‌کنند، مثل آثار علامه طباطبایی، امام خمینی، شهید مطهری و استاد مصباح؛ د) منابعی که

نظریات صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم جدید دربارهٔ سبک زندگی را بیان می‌کند، مثل آثار آدلر و پیروان او، یافته‌های اینترنتی و غیره.

۲. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان (علوم پایه)، دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) و طلاب حوزه علمیه. روش نمونه‌گیری: الف) در مورد جامعه مربوط به مطالعه‌های نظری، تمام متون معتبر اسلامی به صورت موضوعی مورد جستجو و مطالعه قرار گرفت. این جستجو هم به صورت دستی و فیش‌برداری و هم با استفاده از کتابخانه‌های الکترونیک بود؛ به این صورت که با کلیدواژه‌های مناسب، مطالب مورد نظر جستجو و مطالعه شد. بنابراین، هیچ منبع اصلی و درجه اول و هیچ متن دینی مناسب، از دید این پژوهش پنهان نماند؛ اما نه به این معنا که تمام آن متون، مورد مطالعه کامل قرار گرفته، بلکه به این معنا که به صورت موضوعی در آنها جستجو شده و اطلاعات مربوط به موضوع‌ها و مسائل مورد نیاز، به دست آمده و اطمینان نسبی، حاصل شد که اطلاعات دینی در موضوع مورد نظر، از دید این پژوهش پنهان نمانده و از آنها غفلت نشده است.

ب) در مورد جامعه آماری (دانشجویان)، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. استفاده از بزرگ‌ترین نمونه، یک قاعده کلی در تحقیق‌های کمی به شمار می‌آید. هر چه حجم نمونه بزرگ‌تر باشد، احتمال اینکه نمره‌های افراد در متغیرهای اندازه‌گیری شده معرف نمره‌های جامعه باشد، بیشتر است و نیز احتمال رد فرضیه صفر، وقتی که واقعاً غلط است، بیشتر خواهد شد. پیشنهاد سی مور و سادمن برای تحقیق پیمایشی در هر زیرگروه اصلی که پاسخ آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت، ۱۰۰ نفر است (گال و دیگران، ۱۳۸۳). بر این اساس، این پژوهش، سه گروه نمونه، ۱۰۰ نفره و در مجموع، ۳۰۰ نفر را مورد آزمون قرار داد، لکن آن را بر اساس طبقه‌بندی نسبتی خوشه‌ای، تقسیم کرد. به این معنا که در هر کدام از سه گروه، تناسب دانشجویان و طلاب از نظر دختر و پسر بودن، رعایت شد. به دلیل اینکه در دانشگاه (علوم انسانی و علوم پایه)، خوشه دختران بزرگ‌تر بود، تعداد نمونه آنان نیز بیشتر انتخاب شد؛ اما چون در بین طلاب تعداد پسران بیشتر بود، تعداد نمونه بیشتر از پسران انتخاب شد.

حجم نمونه آماری از ابتدا، به‌گونه‌ای انتخاب شد که به اجرای آزمایشی و به دست آوردن تعداد لازم برای این پژوهش نیاز نباشد. آزمون KMO نیز کافی بودن حجم نمونه ۱۰۰ نفر برای هر گروه را نشان داد. اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه‌های نمونه در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳: اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه‌های نمونه آماری

گروه‌ها	تعداد کل	جنس	تعداد	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین سن	وضعیت اقتصادی	تعداد
علوم انسانی	۱۰۰	مرد	۴۰	متأهل	۶	۲۱/۴۵	ضعیف	۱۵
		زن	۶۰	مجرد	۹۴		متوسط	۵۱
علوم پایه	۱۰۰	مرد	۴۵	متأهل	۱۷	۲۸/۳۹	خوب	۳۴
		زن	۵۵	مجرد	۸۳		عالی	۰
حوزه علمیه	۱۰۰	مرد	۷۸	متأهل	۸۱	۲۹/۴۹	ضعیف	۱۲
		زن	۲۲	مجرد	۱۹		متوسط	۶۶
							خوب	۲۱
							عالی	۱

ابزارهای تحقیق: این پژوهش دو ابزار اصلی و چند ابزار جانبی دارد. ابزارهای اصلی عبارت است از: «آزمون سبک زندگی اسلامی» و «آزمون جهت‌گیری مذهبی». ابزارهای جانبی، شامل مصاحبه، پرسش‌نامه و نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای است.

۱. «آزمون سبک زندگی اسلامی»: این آزمون محقق ساخته که ۱۳۵ سؤال دارد، در گروه‌های نمونه اجرا و ویژگی‌های روان‌سنجی آن به دست آمد. این آزمون، ده مؤلفه دارد که در ابتدای مراحل ساخت آزمون، به صورت تفکیک شده از یکدیگر ارائه شده بود؛ اما برای اینکه برای پاسخ‌دهنده یک رویه مشخص و جهت‌دار ارائه نشود، سؤال‌ها با هم ترکیب شد و عناوین ده مؤلفه نیز از آزمون حذف شد. این آزمون، علاوه بر نمره کل، برای هر یک از ده مؤلفه نیز نمره‌ای را به دست می‌دهد و در نهایت، می‌تواند یک نیمرخ روانی ارائه کند. مؤلفه‌های ده‌گانه عبارت است از: اجتماعی، اخلاق، عبادی، باورها، مالی، خانواده، تفکر و علم، سلامت، دفاعی - امنیتی و زمان‌شناسی.

۲. آزمون جهت‌گیری مذهبی: این آزمون توسط آذربایجانی (۱۳۸۲) در دو فرم کوتاه و بلند ساخته شده و بر سه بُعد عاطفی، شناختی و رفتاری از دیدگاه اسلام مبتنی است. جامعه آماری آن، دربردارنده دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران شمال) و طلاب حوزه علمیه قم (در سطح کارشناسی) است. گروه‌های نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. منبع سؤال‌های آن از متن آیات و روایات اسلامی (در مقوله‌های: ۱. انسان و خدا؛ ۲. انسان و آخرت؛ ۳. اولیای دین؛

۴. انسان و دین؛ ۵. بدن و قوای زیستی؛ ۶. روابط اجتماعی؛ ۷. امور اقتصادی و خانواده؛ ۸. انسان و طبیعت؛ ۹. اخلاق فردی)، استخراج شده و روایی محتوایی آن توسط متخصصان اسلامی و روایی صوری آن، توسط متخصصان روان‌سنجی به دست آمده است. پرسش‌نامه اولیه، ۹۰ پرسش دارد که از راه تحلیل عوامل، دو عامل اصلی (با ضرایب پایایی ۰/۹۴۷ و ۰/۷۹۳)، در قالب ۷۰ پرسش کم شده است.

۳. **مصاحبه نیمه‌سازمان یافته:** از این ابزار در چند مرحله برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. در یک مرحله، با بیست و پنج نفر از صاحب‌نظران اسلامی درباره‌ی روایی محتوایی آزمون سبک زندگی اسلامی مصاحبه شد. در مرحله‌ی دیگر، با ده نفر از این افراد در همان موضوع مصاحبه شد، سپس با اساتید روش تحقیق و روان‌سنجی درباره‌ی روایی صوری آزمون مصاحبه شد. همچنین درباره‌ی طرح نظریه سبک زندگی اسلامی چندین بار با اسلام‌شناسان مختلف، مصاحبه و از نظرهای آنان استفاده شد. این مصاحبه‌ها نیمه‌سازمان یافته بود؛ به این صورت که مصاحبه در چارچوب پرسش‌نامه ۱۱ سؤالی صورت گرفت که قبلاً توسط همان متخصصان پر شده بود، تا نظرهای آن متخصص مصاحبه‌شونده، در همان موضوع‌ها، به صورتی عمیق‌تر دریافت شود و به موضوع‌های پراکنده دیگر کشیده نشود؛ برای مثال، اگر مصاحبه‌شونده، به طرف امور کاملاً اعتقادی و ذهنی کشیده می‌شد، موضوع به سبک زندگی و باورهای مؤثر در سبک زندگی منتقل می‌شد. در مورد تناسب سنی آزمون، جامع بودن یا نبودن و دیگر سؤال‌ها مورد نظر نیز گفتگو شد.

۴. **پرسش‌نامه:** در مواردی مثل به دست آوردن روایی محتوایی و روایی صوری از پرسش‌نامه‌های کوتاه محقق ساخته استفاده شده است. این ابزار در طول فرآیند اجرای پژوهش، چند مرتبه به کار گرفته شد. این پرسش‌نامه ۱۱ سؤالی، درباره‌ی مواردی بود که برای یک آزمون دینی لازم بود رعایت شود. بعضی از موضوع‌های مورد سؤال عبارت بود از: آیا آزمون واقعاً سبک زندگی را می‌سنجد یا به طرف نگرش‌سنجی منحرف شده است؟ آیا جامعیت لازم را دارد؟ آیا آنچه را که دین می‌خواهد و امروزه مورد تبلیغ قرار نمی‌گیرد، از متون دینی استخراج شده است؟ آیا امور غیر دینی به عنوان امور دینی معرفی نشده است؟ ارزش نمره‌ای سؤال‌ها چگونه است؟ کدام سؤال چند نمره باید داشته باشد؟ ترتیب سؤال‌ها و موضوع‌ها از نظر ارزش نمره‌ای چگونه است؟ آیا حساسیت مذهبی، افراد و مذاهب مختلف را به صورت منفی تحریک نمی‌کند؟ آیا باعث اختلاف بین مذاهب نمی‌شود؟ آیا محتوای سؤال‌ها به سن خاصی ناظر نیست؟ آیا این آزمون دخترانه، پسرانه و یا عمومی است؟ آیا به افراد مجرد یا متأهل اختصاص دارد، یا عمومیت دارد؟ آیا سؤال‌ها،



روان و قابل فهم است؟ آیا عبارت‌ها و کلمه‌های پیچیده و غیر قابل فهم در سؤال‌ها وجود ندارد؟ آیا نوع پرسش‌ها، خلاف شئون اسلامی نیست؟

**- روش‌های تجزیه و تحلیل آماری:** در بحث‌های آماری در دو سطح، تجزیه و تحلیل صورت گرفت.

۱. در سطح آمار توصیفی: از جداول اطلاعات جمعیت‌شناختی، توزیع فراوانی و شکل‌های توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار، شکل نیمرخ روانی، نمایش و مقایسه نمره‌های سه گروه با یکدیگر و با بیشترین نمره ممکن استفاده شد.
۲. در سطح آمار استنباطی: برای تعیین روایی از روش روایی محتوایی و صوری استفاده شد. به این ترتیب که بیش از بیست نفر از صاحب‌نظران این حوزه، روایی محتوایی و صوری را تأیید نمودند. همچنین برای تعیین روایی سازه از روش تحلیل عوامل و شاخص‌های مربوطه به آن استفاده شد. برای تعیین روایی، همزمان ضریب همبستگی به کار گرفته شد. برای تعیین پایایی کل آزمون و مؤلفه‌های ده‌گانه آن در دو فرم کوتاه و بلند از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

### ویژگی‌ها و محدودیت‌ها

۱. محدودیت‌های روش شناختی: الف) دینداری سازه‌ای بسیط است؛ اما در درون خود دربردارنده ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است و نمی‌توان در سنجش آن بر یک بُعد تکیه کرد و ابعاد دیگر را نادیده گرفت. اگر آزمون با نام‌های «دین‌سنجی»، «سنجش دینداری»، «جهت‌گیری مذهبی»، «نگرش سنج مذهبی» و مانند اینها که معنایی عام دارد، نامیده بشود، باید به این سه بُعد توجه کامل داشت. رعایت این نکته، امری بسیار دقیق و مشکل است و بسیاری از آزمون‌های دینی به آن توجه نکرده‌اند، لکن این اشکال در سنجش سبک زندگی کم‌رنگ است، چون سبک زندگی عینیت زیادی دارد.
- ب) دینداری، موضوعی است که افراد انگیزه پنهان کاری در آن را دارند، چون با ارتباطات اجتماعی و منافع آنان پیوند دارد؛ بنابراین، پاسخ دادن به سؤال‌های کاملاً صریح و مستقیم، ممکن است از دقت سنجش کم کند. پس در حد امکان باید از روش‌های غیر مستقیم استفاده کرد.
- ج) حتی افرادی که کاملاً راستگو بوده‌اند و به صورت خودآگاه انگیزه‌های جانبی را دخالت ندهد، باز هم نمی‌توان مطمئن بود که به صورت ناخودآگاه این کار را نکرده باشند؛ بنابراین، سنجش به صورت غیر مستقیم و در حد امکان راه‌یابی به ناخودآگاه فرد مطلوب است.

۲. **محدودیت عرفی:** در عرف بعضی از متدین‌ها، به خاطر قدسی بودن دین، نباید از پاسخ دادن به سؤال‌ها و به‌طور کلی، از کمی کردن آموزه‌های دینی استقبال کرد. لازمه این محدودیت این است که آزمون‌گر یا خود از متخصصان دینی و مورد اعتماد آنان باشد، یا توسط مجموعه‌ها و متخصصان دینی دیگری که مورد اعتماد هستند، معرفی و حمایت شود.

۳. **محدودیت معرفتی:** بیشتر آزمودنی‌ها، در پاسخ‌دهی به آزمون سبک زندگی اسلامی، نوعی محدودیت معرفتی دارند که باعث می‌شود پاسخ‌های ناپخته بدهند؛ چرا که افراد به‌طور معمول در خودشناسی و درون‌نگری قوت زیادی ندارند، بلکه بیشتر از بافت فرهنگی و ذهنی جامعه اثر می‌پذیرند، حتی ممکن است که احساس‌ها و نگرش‌های دینی ویژه‌ای داشته باشند؛ اما ندانند آن را در قالب چه کلمه‌ها و جمله‌هایی باید بیان کنند. این محدودیت با توضیح‌های کتبی در سربرگ آزمون و پاسخ‌نامه و توضیح‌های شفاهی آزمون‌گر، خیلی کم‌رنگ‌تر می‌شود.

۴. **محدودیت‌های روان‌سنجی:** بعضی از محدودیت‌ها به هدف آزمون، جامعه آماری و ابزارهای مورد استفاده مربوط می‌شود. برای مثال، گروه‌های نمونه در این پژوهش، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خاص خود را داشته است؛ بنابراین، تعمیم نتایج به همان جامعه آماری امکان‌پذیر است، اما به جامعه‌های آماری دیگر قابل تعمیم نیست. اگر سنجش سبک زندگی جوامع آماری دیگری مورد نظر باشد، باید اولاً آزمون تناسب لازم را داشته باشد، ثانیاً، گروه‌های نمونه به صورت مناسب برگزیده شود.

۵. **معیار مرجع یا هنجار مرجع:** بر خلاف بسیاری از آزمون‌های روان‌شناختی، آزمون‌های دینی، معیار مرجع است، نه هنجار مرجع. آزمون معیار مرجع، آن است که درستی پاسخ آزمودنی به سؤال‌ها، از راه یک معیار مشخص از پیش شناخته شده، معلوم شود. در آزمون‌های دینی، معیار صحیح یا غلط بودن پاسخ‌ها، خود دین و آموزه‌های دینی است. اما در آزمون‌های هنجار مرجع، پاسخ از پیش معلوم شده‌ای وجود ندارد؛ بلکه خود آزمون پس از اجرا شدن، یک شاخص آماری مثل میانگین را به عنوان معیار خوب و بد، ضعیف و قوی، یا درست و غلط ارائه می‌کند.

۶. **توصیفی یا تجویزی بودن:** بر خلاف آزمون‌های روان‌شناختی که کاملاً توصیفی است و برای این ساخته شده که در یک موضوع خاص، وضعیت موجود فرد یا گروه را توصیف کند؛ اما آزمون‌های دینی، یک ساخت تجویزی است و در اجرا و استنباط، توصیفی می‌باشد. این آزمون‌ها از آنجا که معیار مرجع است، زیربنای تجویزی دارد؛ به این معنا که

معیار مورد نظر، در هر سؤال یک پشتوانه توصیه‌ای و تجویزی دارد که بدون آن معیار، اصولاً آزمون معنا پیدا نمی‌کند. البته همان آزمون دینی، پس از اینکه ساخته و اجرا شد، توصیفی می‌شود و وضعیت موجود دینداری متدین‌ها و جایگاه آنان، نسبت به معیار مورد نظر را توصیف می‌کند.

۷. نام‌گذاری‌های غیر دقیق: گاهی «آزمون دینی» گفته می‌شود و منظور این است که آزمون‌های ساخته شده غربی را با فرهنگ جامعه اسلامی منطبق کنیم، مثال‌ها، عبارت‌ها، شکل‌ها و دورنمای کلی آن را بر اساس فرهنگ دینی ارائه کنیم. یا قدری عمیق‌تر تلاش شود و آن آزمون در جامعه اسلامی هنجاریابی شود. این‌گونه آزمون‌ها حتی با فرض اینکه در جامعه اسلامی هنجاریابی شود، باز هم دینی نیست؛ چرا که در اصل به صورت معیار مرجع ساخته نشده است.

### یافته‌ها

در این پژوهش معلوم شد که:

مطالعه متون دینی (جامعه مورد مطالعه) باید به روش خاص خود باشد. وقتی می‌خواهیم مطلبی را به اسلام نسبت بدهیم، باید با روش استنباط از متون دینی، آشنا باشیم و از آن استفاده کنیم؛ به تمام آنچه در آن موضوع در متون دینی وجود دارد، علم داشته باشیم؛ آنچه را که با اصطلاح علوم دینی و با عناوینی، مثل اهم و مهم، عام و خاص، مطلق و مقید، کل و جزء، کلی و جزئی، ناسخ و منسوخ، مورد صدور حدیث، «اشتراک لفظی»، «اشتراک معنوی» و غیره، مطرح می‌شود، بدانیم و به کار بگیریم؛ به طور کلی، لازم است که شیوه ترکیب آموزه‌های دینی و رسیدن به یک سخن واحد را بدانیم و به کار بگیریم تا بتوانیم مدعی شویم که این بحث، سخن اسلام است. این نکته در بسیاری از آزمون‌های ساخته شده با پسوند «اسلامی» رعایت نمی‌شود.

کیفیت استخراج منبع سؤال‌ها توجه ویژه‌ای لازم دارد: برای استخراج اولیه منبع سؤال‌ها باید هدف از آزمونی که قرار است ساخته شود، معلوم کنیم و آن را تعریف دقیق نماییم. وقتی می‌خواهیم آزمونی بسازیم که سبک زندگی تجویزی اسلام را بسنجد، معنای آن این است که تک‌تک سؤال‌های فرضی اولیه، که از متون دینی استخراج می‌شود، حالت امر و نهی، از نوع الزام یا تجویز و ترخیص داشته باشد؛ به عبارت دیگر، به گونه‌ای باشد که «بایدها و نبایدهای اسلام» را در تمام زندگی بیان کند. از یک طرف، جامع بودن نسبت به

تمام ابعاد و از طرف دیگر، مانع بودن و راه را بر امور غیر اسلامی بستن، امری بسیار مهم است. «مانع بودن» را راحت‌تر و زودتر می‌توان تشخیص داد، با مراجعه به چند متخصص دین‌شناس و تأمل و دقت، ما را به این نتیجه می‌رساند و مواردی را که از دین نیست، برای ما معلوم می‌کند؛ اما برای اطمینان از «جامع بودن» باید علاوه بر در نظر گرفتن دیدگاه دین‌شناسان و تأمل و دقت، یک مطالعه مفصل بر روی تمام متون دینی نیز داشته باشیم تا چیزی از نظرمان پنهان نماند. این‌گونه نیست که دین‌شناسان بزرگ، به صورت بالفعل به تمام بایدها و نبایدهای دین، حضور ذهن و اشراف علمی داشته باشند، اگر آنان نیز بخواهند مدعی جامع بودن یک منبع سؤال‌ها بشوند، نیاز دارند که مطالعه کنند و ابعاد مختلف دین و زندگی را مورد تأمل دوباره قرار دهند.

نحوه بررسی کردن سؤال‌ها، باید اول به صورت نظری و با دقت تمام انجام شود تا بعد نوبت به بررسی آماری برسد. برای بررسی کردن سؤال‌های اولیه (جدای از بررسی آماری که در تحلیل عاملی انجام خواهد شد)، لازم است که اولاً، به صورت نظری و از دیدگاه دینی بررسی شود. در این بررسی ضروری است که تعداد بایدها و نبایدها را که بسیار زیاد است، کاهش دهیم؛ چون آزمون خیلی بزرگ، قابلیت اجرا را از دست می‌دهد. این بررسی نظری، کاری دشوار و تخصصی است؛ به عبارت دیگر، لازم است که از حجم و تعداد سؤال‌ها کم کنیم، در حالی که اصلاً از محتوا کم نشود. ثانیاً، به صورت نظری، یک طبقه‌بندی بین سؤال‌ها ایجاد شود؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌های پیشنهادی آزمون، به صورت نظری و همراه با استدلال دینی کافی شکل بگیرد؛ این هم کاری مهم و دشوار است.

به دست آوردن روایی محتوایی، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مراحل ساخت یک آزمون دینی است. آزمون نهایی، پس از بررسی و تصحیح کردن، دوباره نیاز دارد که هم جامع و مانع باشد و هم به‌گونه‌ای کوتاه و روان شده باشد که امکان اجرا داشته باشد. مهم‌ترین و اساسی‌ترین مراحل ساخت یک آزمون دینی، عبارت از به دست آوردن روایی محتوایی آن است؛ همان‌طور که در ساخت این آزمون، پس از اینکه منبع سؤال‌های اولیه، طی دو مرحله با تأمل‌های نظری از دیدگاه محقق، بررسی و تصحیح شد، پرسش‌نامه‌ای ۲۰۰ سؤالی به دست آمد که همراه با یک پرسش‌نامه ۱۱ سؤالی (که مربوط به روایی محتوایی می‌شد)، به ۲۵ نفر دین‌شناس داده شد (دین‌شناسانی که مجتهد دینی بوده و در یکی از رشته‌های علوم انسانی تخصص داشتند و اسلام را نیز به صورت نسبتاً جامع و متناسب با زندگی امروزی مورد مطالعه و شناسایی قرار داده‌اند، نه نگاه تک‌بعدی به

اسلام). دیدگاه متخصصان دین‌شناس در مورد تک‌تک سؤال‌ها، مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن با فرد فرد آنان به صورت حضوری، مصاحبه ساختار نیافته انجام و نتایج نهایی نظرهای آنها در آزمون، اعمال شد و آزمون ۱۳۵ سؤالی با تفکیک عناوین، به دست آمد. کارهای انجام شده در این آزمون، برای ساختن هر آزمون دینی، ضرورت دارد. موارد بیان شده که در آزمون‌های روان‌شناختی موجود (که هنجار مرجع است)، رواج کمتری داشته و در کتاب‌های روش تحقیق و روان‌سنجی نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ به همین دلیل، گاهی باعث اشتباه محققان می‌شود. در بعضی موارد، آزمون‌های دینی معیار مرجع با آزمون‌های هنجار مرجع مشابه و مشترک است، مانند: به دست آوردن روایی صوری، داشتن دقت‌های لازم در اجرای آزمون، نحوه به دست آوردن پایایی کل آزمون و هر یک از مؤلفه‌های آن (آلفای کرونباخ)، ضرورت و کیفیت انجام تحلیل عاملی، شناسایی عوامل تشکیل دهنده آزمون، استنباط‌های آماری از داده‌های آن و غیره، همه از مواردی است که بین دو نوع آزمون مشترک است.

## منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵)، مقیاس سنجش دینداری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آرین، خدیجه (۱۳۷۸)، بررسی رابطه دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- اعرافی علیرضا و همکاران (۱۳۷۶)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- اکبری (۱۳۸۲)، بررسی طرز تلقی و نگرش جوانان نسبت به دین، قم: پارسایان.
- اپنهیم، او. ان. (۱۳۷۵)، طرح پرسش‌نامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه مرضیه کریم‌نیا، مشهد: آستان قدس رضوی.
- باقری، خسرو و دیگران (۱۳۷۸)، ساخت و اعتباریابی مقیاس عمل‌سنجی بر اساس دیدگاه اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- بهرامی (احسان)، هادی (۱۳۸۰)، «بررسی مقدماتی میزان اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، س ۳۱، ش ۱.
- بهرامی، هادی (۱۳۷۲)، آزمون‌های فرافکن شخصیت، تهران: نشر دانا.
- بیان‌زاده (۱۳۸۱)، بررسی کارآمدی درمان‌شناختی - رفتاری مذهبی، فرهنگی، توأم با دارودرمانی، بی‌جا: بی‌نا.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثربخشی روان‌درمان‌گری کوتاه‌مدت «آموزش خودمهارگری» با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خدایاری‌فرد، محمد و دیگران (۱۳۸۲)، ساخت و هنجاریابی مقیاس دینداری در جامعه دانشجویان کشور، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولار شدن»، فصلنامه نمایه پژوهش، ش ۷-۸.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
- العانی، نزار (بی‌تا)، «پرسش‌نامه رفتار دینی (فرم ۱ و فرم ۲)»، خلاصه مقاله‌های همایش نظری مقیاس‌های دینی، ص ۱۵-۵۳.

- فاطمی، سید محسن (بی‌تا)، «پژوهش‌های کیفی و دین‌سنجی»، خلاصه مقاله‌های همایش مبانی نظری، ص ۶۷۰-۶۷۳.
- فراهانی، حجت‌الله و حمیدرضا، عریضی (۱۳۸۴)، روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- فرزاد، ولی‌الله (بی‌تا)، «نکته‌هایی در مورد مقیاس‌سازی دینی»، خلاصه مقاله‌های همایش مبانی نظری، ص ۵۸۳-۵۹۵.
- فرگوسن و تاکانه (۱۳۷۷)، تحلیل آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ترجمه دلاور، تهران: نشر ارسباران.
- کاوایانی، محمد (۱۳۷۷)، «جایگاه مفهومی ایمان در روان‌شناسی اجتماعی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۱۶ و ۱۷.
- گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- گلریز، گلشن (۱۳۵۳)، پژوهشی برای تهیه مقیاس نگر مذهبی و بررسی رابطه بین نگرش مذهبی با سایر بازخوردها و خصوصیت‌های شخصیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- گلزاری، محمود (۱۳۷۸)، تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دینداری با ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- گنجی، حمزه (۱۳۷۱)، آزمون‌های روانی (مبانی نظری و عملی)، مشهد: بنیاد فرهنگی رضوی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷)، معارف قرآن، قم: مؤسسه در راه حق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، هدف زندگی، بی‌جا: حزب جمهوری اسلامی.
- معتقد لاریجانی، محمد (۱۳۸۱)، «ساخت آزمون باوردینی و هنجاریابی آن برای دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مرکز).
- مولوی، حسین (۱۳۸۶)، راهنمای عملی *SPSS* در علوم رفتاری، اصفهان: انتشارات پویش اندیشه.
- هیل، پیتر (۱۳۸۲)، مقیاس‌های دینی (۱۲۱ مقیاس خارجی و ۲۱ مقیاس داخلی)، ترجمه مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- Australian Government, Department of Veterans, affairs (2007), "Lifestyle Questionnaire (Revised in Consultation with Ex-Service Organizations)", available at: [www.vrb.gov. au/pubs/D2669.pdf](http://www.vrb.gov.au/pubs/D2669.pdf) (Accessed 25 April 2007).
- Cancer Board (2007), "Health and Lifestyle Questionnaire", available at: [http://www.lifestylesurvey.org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey. pdf](http://www.lifestylesurvey.org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey.pdf) (accessed 25 April 2007).
- Financial Lifestyle Questionnaire (2007), available at: [http://www.perfecttimingnetwork.com/ questionnaire.pdf](http://www.perfecttimingnetwork.com/questionnaire.pdf) (accessed 25 April 2007).
- Hunt, S. (2005), *Religion and Every Day Life*, London: Routledge.
- Inglis, D. (2005), *Culture and Evey Day Life*, London and New York: Routledge.
- Mahon, N. E. & et al. (2002), "The Revised Personal Lifestyle Questionnaire for early Adolescents", *Western Journal of Nursing Research*, vol.25. no.5, pp.533-547.
- Nutrition and Lifestyle Questionnaire (2007), available at: <http://www.challengecancer.com/files/NQquestionnaire.pdf> (accessed 25 April 2007).
- Stein, H. T. (1997), "The Style of Life Tree", available at: <http://ourworld.compuserve.com/homepages/hstein/tree.htm> (accessed 25 April 2007).
- Timothy, J. (1999), *Religion in English Every Day Life*, New York: Berghahn Books.
- Vivian, E. & et al, (2006), "Longitudinal Assessment of Quality of Life and Life Style in Newly Diagnosed, Overian Cancer Pations, available at: [www.elsevier.com/locate/ygyno](http://www.elsevier.com/locate/ygyno).